

دکتر علی امیری

در مورد این مساله که چه اموری سبب ناسازگاری در کودکان و حتی نوجوانان میشود پاسخ های متعددی قابل ذکرند. در بررسیهای مربوطه میتوان از علائم گوناگون نام برد که شرح و تفصیل مواردی از آنها در کتب روانشناسی و تربیت بچشم میخورد و ما در این بحث سعی داریم به مواردی از آنها با رعایت اختصار اشاره ای کنیم:

۱- علل ارثی

گروهی از صاحب نظران معتقدند که ناسازگاری و نابسامانی رفتار کودکان ریشه از ارث و کنه سرشت و طبیعت آنها دارد. تا حدی که قائل شده اند در صفات ارثی و همراه ژن آنها ناسازگاری ها منتقل میشوند. برخی از علما حتی قائل شده اند که تعداد کروموزوم های ناسازگاران و در سطح بالاتر جنایتکاران ۴۷ عدد است که نسبت به افراد مشابه یک کروموزوم زیادتر دارند. ولی تحقیقات بعدی نشان داده اند که در افراد طبیعی و عادی هم گاهی کروموزوم اضافی دیده میشود.

البته از نظر طرز فکر اسلامی مان هیچکس ذاتاً بدجنس و خبیث نیست همگان با فطرت پاک و سرشتی نیکو دنیا می آیند و این محیط است که زمینه برای آلودگی شان فراهم می نماید. البته

ناسازگاری کودکان

وجود تعارض و کشمکش در زندگی روزمره بویژه زمانی که کودک احساس کند به وسایل دفاع مجهز نیست .

— وجود امیدها و آرزوها با این فرض که عدم ارضای آن توجیه عقلی و قابل قبول برای کودک ندارد .

۴- علل عاطفی :

در این زمینه نیز از علل و عوامل بسیاری میتوان نام برد که برخی از آنها بدینفرارند :

— احساس محرومیت از مهر والدینی بگونه‌ای که از آن اشباع شود .

— احساس ناکامی از دستیابی به هدف مورد علاقش .

— وجود مشکلات عاطفی ناشی از ولادت کودکی جدید در خانه و این احساس که او مهر و محبت والدین را درباره خودش از دست داده است .
— احساس از دست رفتن آبروی او در میان جمع مورد علاقش

احساس بی ارزشی و پوچی زندگی و یا انضباط

تحمیل شده از والدین

— احساس کمبود از غذا و لباس با این توجیه که اگر پدر یا مادر بالای سرم بود این مشکل پدید نمی‌آمد

— احساس عدم امنیت عاطفی ناشی از درگیری

والدین و خشونت‌ها و جدالها

بر آورده نشدن نیازهای اولیه چون محبت، خود شکوفائی و وابستگی و تعلق، کنجکاوی ، جا باز کردن در میان جمع .

— بالاخره وجود احساس‌های مبهم و ناشناخته در زمینه رفع حوائج اولیه .

ناسازگاری مادرزاد داریم که بعلت نقص عقل رفتار نامناسب دارند که در چنان صورتی بیمارند و وضع شان و موضع مادر برابر شان فرق دارد .

۲- علل زیستی :

در این زمینه از علل و انگیزه‌های بسیاری میتوان نام برد که اهم آنها عبارتند از وضع بدن ، نقص بدن ، وضع مزاج اختلال در بینائی ، شنوائی و . . . اختلال در مغز و دستگاه عصبی و . . .

بعنوان نمونه میگوئیم کودکانی که نقص جسمی داشته و مثلا "مورد مسخر دیگران هستند نمی‌توانند وضعی عادی داشته باشند ، در برابر سرزنشها و مسخرگی‌های دیگران موضعی میگیرند که از آن به ناسازگاری تعبیر میشود . و یا آنها که بعلت نقص جسمانی دچار احساس کهنتری هستند برای غلبه بر این احساس وضع و رفتاری خصمانه در پیش میگیرند و نگرانی دیگران را بر می‌انگیزند

۳- علل روانی

در این زمینه از موارد بسیاری میتوان نام برد که اهم آنها میتوانند بدینقرار باشند

— اختلال عقلی که موجبات پدید آمدن رفتاری غیر عقلی میشود .

— وجود فشارهای درونی که موجبات عدم تحمل و بعدها ناسازگاری را فراهم می‌سازد .

— میلی به استقلال که زمینه را برای عصیان فراهم می‌کند .

— ضایعات روانی که عاملی برای ناسازگاری است — عادات عصبی که نشانه‌ای از وجود رفتاری ناسازگارند مثلا " ناخن جویدن ، مکیدن انگشت

۷- علل اقتصادی :

فقر و محرومیت اقتصادی خود از علل و عوامل ناسازگاری است. کودکانی که شاهد محرومیت خود و برخورداری دیگران هستند، اگرچه به ظاهر سخنی نگویند در درون نگرانیهایی خواهند داشت.

فرق است بین دو کودکی که هر دو هوس میوه‌ای و آجیلی و یادوچرخه‌ای دارند، برای یکی از آنها بمحض اشاره نامین می‌شود و برای آن دیگری خبری نیست. طبیعی است چنین کودکی نمی‌تواند رفتاری عادی داشته باشد. فاجعه‌بهنگامی بیشتر بروز خواهد کرد که او مورد ملامت و یا تنبیه پدر و مادر هم قرار بگیرد و بخاطر توقعش کتک هم بخورد.

۸- علل اجتماعی :

در این زمینه از مسائل بسیاری باید نام ببریم که برخی از آنها بدین‌قرارند :

- عدم مقبولیت در بین افراد اجتماعی بگونه‌ای که خود راناکزیر ببینند یا رفتاری خاص دیگران را به اطاعت و تبعیت وا دارند.
- وجود نابسامانی در بین اعضای خانواده و اختلاف و بگو مگوها.
- وجود متارکه یا طلاق در بین زن و شوهر بگونه‌ای که کودک چون تویی هر روز دست به دست بگردد.
- نا امنی ناشی از درهمی و مغشوشی وضع خانواده بعلمت فقر یا اخلاق.
- وجود بدآموزی‌های ناشی از خانه یا مدرسه در انجام یک امر
- طرد شدن کودک از سوی پدر یا مادر که او را

۵- علل اخلاقی : گاهی ناسازگاری بعلمت سقوط اخلاق و انحطاط آن است. فرزند در وضع موقعیتی است که زیربنای اخلاقی او در هم فرو ریخته و پای بندی بهیچ ارزش و مقرراتی ندارد.

این چنین افرادی که یله و رها شده و یا ضابطه‌ای را بالای سر خود ندیده‌اند خود را در برابر وقایع و جریانات آزاد و بدون مسئولیت احساس می‌کنند بهیچ عهدی متعهد نیستند و هیچ مقرراتی را با دیده احترام نمی‌نگرند. در میان جمعی رشد کرده‌اند که آنها نیز چون خود او بی‌توجه و ناپخته بوده‌اند.

همچنین ممکن است از تعالیم اخلاقی بی‌خبر باشند و یا کسی نباشد که اطلاعات و آگاهی لازم را به آنها داده و به پیشگیری آن بپردازد. و در همه حال حاصل آن سقوط و انحطاط اخلاقی است.

۹- علل تربیتی :

زمانی ناسازگاریها ناشی از وضع تربیتی است پدران و مادرانی که فرزندان یکدانه دارند و گاهی هم پدران و مادرانی که در امر تربیت فرزندان سهل‌انگارند موجبات لوسی و نتری فرزندان خود را فراهم می‌آورند.

افراط در محبت، نازکشی‌های بیهوده، ندانم کاریهای آنان سبب میشود که فرزندان خود سرو لجوج، بی‌اعتنای به مقررات و ضوابط بار آیند بعدها همین والدین و مربیان خود از دست پرورده خود به ستوه آمده و سعی خواهند کرد با ضرب و شتم‌ها آنان را مهار کنند که البته خواهند دید دیگر دیر شده است و امکان بازگشت کو دک به وضع عادی و طبیعی خود اگر محال نباشد لااقل بسیار دشوار است.

و ناسازگاری را برای شما بهارمغان آورده و برسر تان می‌ریزد. و یا برعکس کودکی وارد مدرسه میشود و

روزگار معلم و مسئولان را سیاه میکند.

این رفتار حاکی از آن است که طفل در محیط فشار و خفقان سختی است تا حدی که نتوان و جرات دم بر آوردن را ندارد و وقتی که به محیط باز و آرام رسید شرارت‌ها را از خود بروز میدهد.

می‌خواهیم بگوییم نوع انضباط و سیاستی که در خانه‌ها، مدرسه و یا اجتماع اعمال میشود زمینه را برای ناسازگاری فراهم می‌آورد و اگر قصد اصلاح باشد از آنجا باید آغاز گردد.

و امیدارد به حیل و روشی نظرشان را از نو بخود جلب می‌کند.

وجود اختلاف و منازعه بین برادر و خواهر و یاد دیگر اعضای خانواده بصورتی که طفل در داوری والدین خود را مظلوم احساس کند.

و البته امر تربیت و نوع آن نیز میتواند خود را علل اجتماعی باشد.

۹- علل فرهنگی :

نوع فرهنگ و اخلاق فرهنگی

ناشی از اجتماع یا مکتبی زمینه را برای سازگاری خاصی جهت افراد آن جامعه فراهم می‌آورد.

طرز فکرها، آداب و رسوم و سنن ویژه، فلسفه‌ها و ادبیات، ضرب‌المثل‌ها، شیوه‌های معاشرتی همه و همه زمینه را برای رفتاری خاص فراهم می‌سازند در جوامعی که سطح فرهنگی بالاست مردم بی‌گوشه‌اند در آن‌ها که سطح فرهنگ پایین‌تر است برخوردها و عملکردها بگونه‌ای دیگر است.

سازگاری مبانی فرهنگی از طریق عوامل فرهنگی چون کتاب و سینما، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و تأثیر به افراد منتقل میشوند و طبیعی است کودکی که در معرض چنین اوضاع و احوالی است همان را در جامعه پس بدهد. بدآموزی‌ها و یا آموزش‌های اساسی در این رابطه نقش فوق العاده‌ای دارند.

۱۰- علل انضباطی و سیاسی :

در این زمینه باید

از شرایط و امکانات نام ببریم که در خانواده مدرسه و یا اجتماع جریان دارد. شما گاهی ملاحظه می‌کنید که فرزند شما به مدرسه میرود و پس از بازگشت به خانه یک دنیا شرارت، خرابکاری

